

۱۰۸ - استقامت

و نیز از حضرت بهاءالله است **قوله الاعلی**: اول الامر هو عرفان الله و آخره الاستقامة عليه كذلك قدر من لدن قويّ قدير .

و قوله الاعزّ: رأس القدرة و الشّجاعة هي اعلاء كلمة الله و الاستقامة على حبه .

و در کتاب اقدس قوله جلّ و عزّ: كونوا مظاهر الاستقامة بين البرية على شأنٍ لا تمنعكم شهات الذين كفروا بالله اذ ظهر بسلطانٍ عظيم .

و قوله الاسنى: اثمار سدره انسان توکل و استقامت است تمسک بهما امراً من لدى الله الامر الحكيم هر يك از احبای الهی باید بمثابه جبل ثابت و راسخ باشد و معرضين و منكرين را معدوم شمرد

و قوله الابهی: اكليل اعمال استقامت است بأن متمسک شوید و اعظم از كلّ مقامات است به آن ناظر باشید او است از عطیة كبری که صاحب خود را از اشارات ملحدین و وساوس شياطين و نفاق ناعقین حفظ فرماید او است درعی که به ایادی قدرت صانع حقیقی بافته شده .

و قوله الاعظم: هر نفسی الیوم بر این امر اقدس ارفع امّنع مستقیم شود مقابل است با كلّ من فی السموات و الارض و كان الله على ذلك لشهيد و علیم .

و در لوح طب قوله الاجلّ: بگو الیوم دو امر محبوب و مطلوب است یکی حکمت و بیان و ثانی الاستقامة على امر ربکم الرحمن هر نفسی باین دو امر فائز شد عند الله از اهل مدینه بقا محسوب و مذکور چه که باین دو امر امر الهی ما بین عباد ثابت شده و خواهد شد چه که اگر حکمت و بیان نباشد کلّ مبتلا خواهند شد درین صورت نفسی باقی نه تا ناس را بشریعة احدیه هدایت نماید و اگر استقامت نباشد نفس ذاکر مؤثر نخواهد بود .

و قوله الاجمل: براستی میگویم آنچه الیوم اعظم و اسبق کلّ اعمال است استقامت بر امر بوده مع آنکه این امر محکم در اکثری از الواح نازل و ثابت به مجرد ارتفاع نعیمی ناس مضطرب مشاهده شدند باید دوستان حق بانوار اطمینان از افق ایقان ظاهر و مشرق گردند جمیع را بر استقامت کبری دعوت نمایند ایام توقف مالک اسماء در زوراء و ارض سرّ و سجن اعظم جمیع عباد را به نفاق ناعقین و ندای متوهمین اخبار نمودیم معذک مشاهده شد که بعضی بندای لا یسمن و لا یغنی از بحر معانی محروم ماندند قل یا احبّائی خذوا زمام الامر ثم احفظوه باسم ربکم العلیم الحکیم .

و در لوحی دیگر است قوله الامنع: آن جناب باید در کلّ احیان به کمال جدّ و جهد سعی باشند که شاید اشجار نفوس از هر ریخی متحرک نشوند و به هر خاری نلغزند چنانچه درین ایام نفس مجهولی در یکی از مدن الله بدعوی برخاست و بعضی از غافلین اقبال نمودند الی ان عرفوا و رجعوا الی الله و کانوا من التائبین .

و از حضرت عبداله است قوله العزیز: انسان باید مانند کوه آهنین رزین و رصین باشد و مقاومت هر مشکلات نماید و تا چنین نگردد کار به انجام نمی‌رسد .

و قوله الجلیل: زیرا استقامت شرط است و در قرآن میفرماید انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزل علیهم الملائکة در امری استقامت کند مغناطیس توفیق و تأیید شود .

و در یکی از آثار است: میرزا محمد حسین طبیب ... وقتی که جمیع اهل عراق بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و در منابر و اسواق به ضرب و شتم احبّای الهی مشغول بودند بعضی احباب را با جناب طبیب مذکور به مقرّ حکومت بردند در آن اثناء مترجم یکی از دول مکالمه نمود ... مترجم گفت تو چکاره که با من بالواسطه این قسم تکلم مینمائی جناب طبیب ذکر نمودند تو چکاره ای او مذکور نمود من مترجم دولتم جناب طبیب مذکور نمود من هم مترجم ملتّم باری در آن مجلس که منبع مخالفین از اعزّه مملکت حاضر بودند و همچنین حکام مجتمع معذک ایشان به کمال استقامت و قوّت و قدرت تکلم نمودند و هرگز این فقره از لوح عالم محو نخواهد شد چه که لأجل ارتفاع کلمة الله تکلم نموده و سطوت دولت و ضوضاء ملت او را از محبّة الله منع ننموده و بعد البته شنیده‌اند چگونه ایشان و احباب را از عراق اسیر کردند و به موصل فرستادند حال لحاظ الهی باین عمل او که فوق اعمال است ناظر است .

